

سینمای کوتاه؛ فرصتی برای بازخوانی هویت ایرانی

ما تلویزیون را تحریم نکردیم؛ امکان همکاری وجود ندارد



سمیرا جعفری

گفت‌وگو

هادی آفریده، مستندساز و فیلم‌ساز سینمای کوتاه، فیلم کوتاه را نه سکوی پرتابی برای رسیدن به سینمای بلند، بلکه عرصه‌ای مستقل برای تجربه‌گرایی،

کشف زبان‌های تازه و ارتباط مستقیم با مخاطب می‌داند. کارگردان «مادران کوهستان» که امسال با این فیلم در جشنواره فیلم کوتاه تهران حضور دارد، با تکیه بر تجربه ساخت آثاری چون «چنارستان» و «کارینز: قصه آب»، از غلبه الگوهای تکراری جشنواره‌ای، کم‌توجهی به آموزش روایت‌گری و فاصله گرفتن سینمای مستند از حمایت‌های مؤثر انتقاد می‌کند و معتقد است ارزش یک فیلم را نمی‌توان فقط با جایزه و موفقیت جشنواره‌ای سنجید.

فناوری، تولید را پیش می‌برند. این تغییر فقط به ایران محدود نیست و در بسیاری از نقاط جهان اتفاق افتاده است. فناوری دیجیتال و پلتفرم‌ها امکان تولید و عرضه آثار را گسترش داده‌اند. فیلم‌ساز می‌تواند اثرش را در اختیار مخاطب بگذارد و مخاطب درباره آن تصمیم بگیرد؛ ممکن است فیلم دیده شود یا نشود، اما دیگر تمام مسیر آن الزاماً از مجراهای سنتی عبور نمی‌کند. به نظر موفقیت برای نسل تازه‌نیز تا اندازه‌ای تغییر کرده است. نسل ما بیشتر نتیجه‌محور بود و جشنواره و جایزه اهمیت زیادی داشت. امروز بسیاری از فیلم‌سازان جوان، ارتباط با مخاطب را مهم‌تر از کسب نتیجه رسمی می‌دانند. این تفاوت را در کارگاه‌هایی که برگزار می‌کنم نیز احساس می‌کنم. البته نمی‌توان این ویژگی را به همه افراد یک نسل تعمیم داد، اما چنین رویکردی در میان فیلم‌سازان تازه‌نفس دیده می‌شود.

آیا این آثار را باید بخشی از سینمای ایران دانست یا همچنان می‌توان آن‌ها را در دسته سینمای زیرزمینی قرار داد؟

به نظر باید در تعریف سینمای زیرزمینی تجدیدنظر کنیم. وقتی اثری در پلتفرم‌های مختلف، حتی پلتفرم‌های رسمی و قانونی داخل کشور، در دسترس مخاطب قرار می‌گیرد، دیگر نمی‌توان به‌سادگی آن را زیرزمینی دانست. من خودم بسیاری از این فیلم‌ها را در همین بسترهای قانونی تماشا می‌کنم.

بخشی از این فیلم‌ها اگر به نهادهای رسمی ارائه شوند، ممکن است مجوز بگیرند و حتی از حمایت برخوردار شوند. مسئله این است که برخی فیلم‌سازان اساساً نمی‌خواهند برای ساخت هر اثر منتظر اجازه بمانند. این به معنای آن نیست که حتماً قصد عبور از خط قرمزها را دارند. گاهی فیلم صرفاً می‌خواهد شیوه‌ای از زندگی را روایت کند؛ برای مثال، فیلمی درباره کودکان اوتیسم دیده‌ام که نه اثر سیاسی بود و نه در پی طرح نقدی جنجالی، بلکه می‌خواست تجربه‌ای از زندگی را به مخاطب معرفی کند.

به نظر این اتفاق نشانه بلوغی در تولید رسانه‌ای است، اگر در برابر روش‌های جدید تولید و عرضه مقاومت نکنیم، ممکن است جریان‌هایی شکل بگیرند که دیگر امکان ارتباط و گفت‌وگو با آن‌ها وجود نداشته باشد. روش‌های تولید، آموزش و نمایش تغییر کرده‌اند و سیاست‌گذاری فرهنگی نیز باید این تغییرات را ببیند.

در چنین شرایطی، جشنواره‌ها و نهادهای سینمایی چه مسئولیتی در قبال فیلم‌سازان جوان دارند؟

به نظر اولویت امروز، آموزش حرفه‌ای است؛ بعد از آن جشنواره‌ها و سپس حمایت مالی. در حجم گسترده تولید فیلم کوتاه و مستند، مسئله‌ای که گاهی از آن غافل می‌شویم، روایت است؛ روایت دراماتیک، روایت مبتنی بر پژوهش و توانایی تبدیل یک موضوع به اثری که مخاطب بتواند با آن ارتباط برقرار کند.

صرف اختصاص بودجه به فیلم‌ساز، تضمین نمی‌کند که فیلم خوبی ساخته شود. فیلم‌ساز باید شناختی از

شما بیش از دو دهه در سینمای مستند و فیلم کوتاه فعالیت کرده‌اید. سینمای ایران تا چه اندازه مدیون جریان فیلم کوتاه و مستند است؟ آیا همچنان می‌توان فیلم کوتاه را مسیر ورود به سینمای بلند دانست؟

به نظر تأثیرگذاری جریان فیلم کوتاه، مستند و سینمای تجربی بر سینمای ایران بسیار جدی بوده است. البته در گذشته، یکی از دلایل اهمیت این جریان آن بود که فیلم‌سازان برای نمایش آثارشان انتخاب‌های محدودی داشتند و جشنواره‌های فیلم کوتاه از محدود فرصت‌های دیده‌شدن بودند. امروز با گسترش فناوری دیجیتال، اینترنت و پلتفرم‌ها، امکان معرفی آثار و پیدا کردن مخاطب بسیار بیشتر شده است.

با این حال، اینکه بگوییم هرکس می‌خواهد فیلم بلند بسازد، باید ابتدا فیلم کوتاه یا مستند تولید کند، در جهان حرفه‌ای سینما نگاه دقیقی نیست. فیلم کوتاه، مستند و سینمای بلند، هرکدام حوزه‌ای تخصصی و مستقل‌اند. در جهان، مستندسازی وجود دارند که تمام عمر حرفه‌ای خود را صرف ساخت مستند می‌کنند؛ همین موضوع درباره فیلم کوتاه نیز صدق می‌کند. این مدیوم‌ها زبان، کارکرد و مخاطبان خاص خودشان را دارند.

در ایران، به دلیل مسائل معیشتی و نبود سکوهای کافی برای عرضه آثار مستقل، فیلم کوتاه در عمل گاهی به مسیری برای ورود به سینمای بلند تبدیل شده است. فیلم‌ساز ناچار است از پیچ‌وخم‌های مختلف تولید، مجوزها و نظارت‌ها عبور کند و فیلم کوتاه نیز در این مسیر به یکی از مراحل رسیدن به فیلم بلند تبدیل می‌شود.

من ترجیح می‌دهم فیلم کوتاه جایگاهی برای کشف استعدادها، تجربه‌گرایی و ورود بیان‌های جدید به سینمای ایران باشد. اگر این سینما بتواند زبان‌های تازه‌ای خلق کند و فیلم‌سازان و هنرمندان جدیدی را معرفی کند، جریان زنده و مولدی خواهد بود. اما اگر صرفاً به ساخت چند فیلم برای دریافت مجوز یا اثبات توانایی ساخت فیلم بلند محدود شود، کارکرد خلاقانه خود را از دست می‌دهد و به فرایندی تشریفاتی تبدیل می‌شود.

تا چه اندازه فیلم کوتاه ایران درگیر الگوهای تکراری جشنواره‌ای شده است؟ نسل جدید نسبت به نسل شما جسارت بیشتری در تجربه‌گرایی دارد؟

من در طول سال فیلم‌های کوتاه زیادی می‌بینم. سال گذشته داور بخش مستند جشنواره فیلم کوتاه تهران بودم و در جشنواره‌های دیگری نیز داوری کرده‌ام. در بخشی از تولیدات، الگوهای تکراری و فرم‌هایی دیده می‌شود که به نظر می‌رسد با انتظارات مرسوم جشنواره‌ها هماهنگ‌اند. البته این تمام واقعیت سینمای کوتاه نیست.

در کنار این جریان، نسل تازه‌ای از فیلم‌سازان حضور دارند که با امکانات شخصی خودشان فیلم می‌سازند؛ گاهی با تلفن همراه، گاهی با دوربین‌های ساده دیجیتال. این فیلم‌سازان کمتر منتظر دریافت بودجه و حمایت رسمی می‌مانند و با تکیه بر توانایی خود، دوستانشان و امکانات

